

نگاه هم میهن

## اعتماد از دست رفته

### فقدان سیاست منسجم و اشنگتن در مورد خاور میانه باعث رویگردانی متحدان سنتی آمریکا شد



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

چهار سال ریاست جمهوری جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، سه ماه دیگر پایان پیدا می کند. در طول این چهار سال، دولت جو بایدن، به رغم تلاش های بسیاری که انجام داد نتوانست یک سیاست یکپارچه و منسجم در مورد خاور میانه تدوین کند. عملکرد غیر منسجم و تغییرات ناگهانی سیاست آمریکا در قبال خاور میانه باعث شد تا در طول چهار سال گذشته، تمایز اعتماد متحدان سنتی آمریکا به واشنگتن از بین برود. دولتهایی مانند اسرائیل، عربستان سعودی، اردن و ترکیه دیگر مانند گذشته به آمریکا اعتماد ندارند. سیاست انتقال به شرق آمریکا که از ابتدا دهه دوم قرن بیستم و یکم برای مقابله با تهدید چین آغاز شد، به معنای کاهش اولویت خاور میانه در سیاست خارجی آمریکا بود. سه رئیس جمهور متوالی آمریکا، از باراک اوباما تا جو بایدن، هر یک تلاش کردند تا با کاهش حضور نظامی آمریکا در خاور میانه، ظرفیت ها و منابع نظامی و امنیتی آمریکا را برای انتقال به منطقه شرق آسیا و اقیانوس های هند و آرام (منطقه ایندیوپاسفیک) آماده کنند اما هر سه رئیس جمهور آمریکا با موانع متعددی برای خروج از خاور میانه مواجه شدند. خیزش های موسوم به بهار عربی، جنگ داخلی سوریه، ظهور داعش و جنگ غزه در یک سال گذشته هر یک به مانند گردابی آمریکا را درون خاور میانه فروکشید.

دولتهای متوالی آمریکا از زمان جورج بوش پسر، با ایده ایجاد نظام جدید در خاور میانه تلاش کردند که نظم موجود را به شکلی تغییر دهند که نیاز به مداخله نظامی آمریکا در منطقه کاهش پیدا کند. نظام جدید مدنظر آمریکا سه ویژگی مشخص داشت: نخست اینکه اسرائیل به عنوان یک کشور مشروع در منطقه ادغام شود، دوم اینکه ایران و متحدانش به عنوان تنها مخالفان اتحاد استراتژیک کشورهای منطقه با آمریکا قدرت سلطه بر منطقه را نداشته باشند و سوم اینکه آمریکا به عنوان توازن دهنده از راه دور مسائل منطقه را مدیریت کند اما تمام برنامه های آمریکا در طول دو دهه گذشته با شکست مواجه شده است. در طول این دوران نادیده گرفتن یکی از اصلی ترین بحران های ریشه ای خاور میانه، یعنی آرمان تشکیل کشور فلسطینی باعث شد تا تمامی مذاکراتی که در دهه های گذشته با هدف رسیدن به راهکار دودولتی پیگیری می شد، به صورت کامل متوقف شود. در دوران باراک اوباما هیچ مذاکره جدی با وساطت آمریکا بین اسرائیل و فلسطینیان انجام نشد و در دوران ترامپ نیز ایده معامله بزرگ، بدون مذاکره و مشارکت فلسطینیان ارائه شد که با مخالفت کامل تمام گروه ها و رهبران فلسطینی مواجه شد. ناتوانی آمریکا در حل و فصل مسئله فلسطین، باعث شد بدبینی ریشه دار ملت های عربی به واشنگتن در خصوص مسائل خاور میانه تقویت شود. بعد از آنکه دولت دونالد ترامپ تلاش کرد با خروج از سوریه و زمینه سازی برای خروج از افغانستان، به اضافه خروج از برجام و اعمال فشار حداکثری بر ایران و اجرایی کردن ایده معامله بزرگ و توافق های ابراهیم، گام های بلندی برای نزدیک شدن به نظم جدید مورد نظر آمریکا بردارد، نوبت به جو بایدن رسید تا به رغم تمام انتقادهایی که از دونالد ترامپ مطرح می کرد، تقریباً همان سیاست را ادامه دهد.

جو بایدن در دوران انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا،

کند، اسرائیل ادعا می کند که اطلاعات دقیقی در مورد برنامه هسته ای ایران دارد. اسرائیل گفته است که اگر ایران از خطوط فرمز عبور کند به تاسیسات هسته ای ایران حمله می کند؛ کاری که سال ۲۰۱۱ تا آستانه انجام آن رفت. اما روشن نیست که اسرائیل بتواند در چنین حمله ای از بین بردن تعداد زیادی از سایت های هسته ای ایران توفیق چندانی داشته باشد و این مخاطره وجود دارد که انجام چنین حمله ای باعث شود که ایران با شتاب زیادی به سمت ساخت سلاح هسته ای برود. جو بایدن در مخالفت با حمله اسرائیل در ابتدا گفت که از حمله اسرائیل به تاسیسات نفتی ایران حمایت می کند، اما بعداً گفت که از چنین حمله ای هم حمایت نمی کند، شاید دلیل اصلی این بود که به دلیل انتشار اظهارات او در مورد حمله به تاسیسات نفتی قیمت نفت با رشد ۵ درصد به ۷۷ دلار در هر بشکه رسید. تحلیل گران می گویند که حمله به تاسیسات نفتی ایران می تواند قیمت نفت را تا ۱۲ دلار بیشتر از قیمت کنونی کند و بستن تنگه هرمز از سوی ایران در واکنش به چنین حمله ای نیز می تواند ۲۸ دلار دیگر به قیمت نفت اضافه کند. یک درگیری گسترده در خاور میانه قیمت های انرژی را به شکل قابل توجهی افزایش می دهد و می تواند رقابت بسیار نزدیک انتخاباتی در آمریکا را به شکل قابل توجهی به نفع ترامپ تغییر دهد.

#### دوراهای ایران

تهران هم نمی خواهد که با تشدید تنش در منطقه باعث پیروزی ترامپ در انتخابات شود. ترامپ رئیس جمهوری بود که آمریکا را از توافق هسته ای برجام خارج کرد. روز ۸ مه ۲۰۱۸ دونالد ترامپ با عمل به وعده انتخاباتی اش، به رغم اینکه ایران تعهداتش را در توافق هسته ای اجرا می کرد، به صورت یکجانبه از توافق خارج شد. ترامپ همزمان فشارهای اقتصادی را بر ایران افزایش داد و کمپانی های اروپایی را تهدید کرد که در صورت تجارت با ایران تحریم خواهند شد. اصلی ترین طرف هایی که از این تحریم ها منفعت بردند، روسیه و چین بودند. مسکو و تهران روابط نظامی شان را تقویت کردند و چین نفت ارزان را می خرید که کشورهای اروپایی و متحدان آسیایی آمریکا دیگر حق داشتند بخرند. اما هربران ایران نمی توانند مطمئن باشند که اگر در دولت احتمالی دوم ترامپ، واشنگتن تصمیم به تغییر نظام در ایران بگیرد، روسیه یا چین آماده حفاظت از آنها باشند.

#### منافع روسیه

ایران و روسیه هر دو تحت تحریم های شدید غرب هستند و به همین دلیل مناسبات اقتصادی قدرتمندی با یکدیگر برقرار کرده اند. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه روابط نظامی اش را با ایران تقویت کرده است و در کنار ایران از نظام باسدر در سوریه حمایت می کند. هر چند ایران از سلاح های تولید داخل استفاده می کند، اما همچنان مشتری برخی سلاح های روسی است و همچنین در جنگ روسیه علیه اوکراین فناوری پهبادی را در اختیار مسکو قرار داده است. بر اساس گزارشی که به تازگی توسط وزارت دفاع آمریکا منتشر شده است ایران به تازگی موشک های فتح ۲۶۰ در اختیار روسیه قرار داده است. علاوه بر این ادعا شده است که پرسنل ایرانی به روس ها برای استفاده از این موشک ها آموزش می دهند. موشک های کوتاه برد به روسیه اجازه می دهد که موشک های پیشرفته تر در بندن خود را برای دیگر اهداف در اوکراین نگه دارد. پنتاگون می گوید که ممکن است بین ایران و روسیه اطلاعات مرتبط با پرتاب موشک رد و بدل شود. نهادهای اطلاعاتی آمریکا انتظار دارند که سلاح های بیشتری از ایران به روسیه منتقل شود و همکاری های نظامی دو کشور تقویت شود. اما در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات، رئیس جمهور پیشین آمریکا در مقام معامله گر ممکن است به ازای امتیازهای سرزمینی در اوکراین از روسیه امتیازهایی در قبال ایران بخواهد؛ امری که همین حالا هم ترامپ در سخنرانی هایش اشاراتی به آن داشته است.

#### فرصت چین

همزمان با تشدید تنش ها با اسرائیل، پکن وعده داده است که از تهران حمایت کند، اما در واقع این حمایت معنای عملی چندانی ندارد؛ به خصوص که ایران نمی تواند در یک منازعه احتمالی به چین در سرزمین های بسیار دور دست کمک چندانی کند. وابستگی ایران به واردات انرژی از سوی چین بسیار شدید است و بیش از ۹۰ درصد از نفت خام ایران از طریق بازار سیاه به چین می رسد. سال ۲۰۲۱ دو کشور یک توافقنامه ۲۵ ساله امضا کردند که چین به ازای تامین نفت، وعده سرمایه گذاری کلانی به ایران داد. اگر اسرائیل به زیرساخت های نفتی ایران حمله کند و آنها را از بین ببرد، ممکن است که چینی ها برای بازسازی آنها وعده بدهند. هر چند در حوزه معامله سلاح چندان رابطه ای میان دو کشور وجود ندارد، اما تهران و پکن در زمینه توسعه فناوری پهبادی همکاری می کنند. چین ایران را فقط به صورت دیپلماتیک حمایت می کند و با سیاست های آمریکا مخالف است، اما تمایل چندانی به ایفای نقش امنیتی در خاور میانه ندارد. هر چند نهادهای اطلاعاتی آمریکا محور ادعایی «خشتم» را امری نگران کننده می دانند، اما حمایت چین از ایران، درست مانند حمایت چین از روسیه در جنگ اوکراین، کاملاً عملگراییانه و محدود است. چین در عین حال ایجاد توازن را در رابطه اش با اسرائیل نگران کننده می بیند. برای دهه های متوالی چین و اسرائیل روابط بسیار سازنده ای در حوزه فناوری داشتند که در دهه اول قرن بیست و یکم با رونق یکباره اسرائیل شدت بیشتری گرفت. مقام های آمریکایی در گفت و گوهای خصوصی نسبت به این رابطه اظهار نگرانی کرده اند و خواستار فاصله گرفتن تل آویو از پکن شده اند. عامل اثرگذار دیگر، منافع ژئوپلیتیک چین است. چین تلاش می کند تا خود را به عنوان گرینهای در برابر آمریکا در منطقه خلیج فارس مطرح کند. مارس ۲۰۲۳ پکن توانست آشتی دیپلماتیک میان دو رقیب قدیمی منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی عملی کند. ناظران در واشنگتن در مقابل این تحولات از سوی یکی از نزدیک ترین متحدان آمریکا غافل گیر شدند و نگران این بودند که عربستان به دایره نفوذ چین وارد شود.

#### قدرت نفتی عربستان سعودی

از زمانی که فرانکلین دی روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا در ۱۴ آوریل ۱۹۴۵ بر عرشه کشتی یواس اس کوئینسی با ملک عبدالعزیز آل سعود دیدار کرد، روابط عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا یکی از مهم ترین اتحادهای ژئوپلیتیک پس از جنگ جهانی دوم محسوب می شد. از زمان توافق «امنیت در برابر نفت» واشنگتن از پادشاهی سعودی محافظت کرد و در برابر ریاض ثبات قیمت نفت را تضمین کرد. اما حالا هربران کنونی عربستان سعودی به خصوص بعد از آنکه رونق فناوری فرکینگ در استخراج نفت باعث استقلال انرژی آمریکا شده است، نسبت به قابل اتکا بودن حمایت آمریکا تردید دارند. قیمت جهانی نفت همچنان تحت تاثیر تصمیم های گروه اوپک و بحران هایی مانند جنگ میان ایران و اسرائیل است. در آینده قابل تصور عربستان سعودی تنها تولیدکننده نفتی خواهد بود که می تواند به سرعت میزان معتنابهی نفت اضافه تولید کند تا قیمت نفت را برای اقتصادهای غربی و آسیایی قابل تحمل نگه دارد. به همین دلیل بود که به رغم اینکه جو بایدن در تبلیغات انتخاباتی خواست نمود تا عربستان سعودی به عنوان یک دولت مطرود محکوم شود، ژوئیه ۲۰۲۲ به عربستان سعودی رفت و از محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی خواست تا با آمریکا همکاری کند. تلاش آمریکا شکست خورد و عربستان سعودی نتنها تولید خود را افزایش نداد، بلکه اوپک در اکتبر ۲۰۲۲ در ۱۰ میلیون بشکه از تولید خود کاست و باعث افزایش جهانی قیمت نفت شد. محمد بن سلمان دوباره هم می تواند از جو بایدن انتقام بگیرد و با کاهش تولید و افزایش قیمت نفت خام که باعث افزایش قیمت سوخت برای مصرف کنندگان آمریکایی می شود، در انتخابات ۵ نوامبر از ترامپ حمایت کند.

#### چالش های بزرگ پیش روی دولت بعدی آمریکا

ترامپ وعده داده است که روابط نزدیک تری با عربستان سعودی برقرار می کند و رویکرد تندتری در مقابل رقیب قدیمی سعودی، یعنی ایران، می گیرد. اما او توضیح نداده است که چگونه می خواهد به این اهداف برسد. حزب دموکراتیک آمریکا هم دچار شکاف است، هریس در مورد بسیاری از مسائل سکوت کرده است، هر چند می گوید که از اسرائیل حمایت می کند و در عین حال به شدت خواهان آتش پس است. رویکرد سنتی آمریکا منزوی کردن ایران است که تنها نتیجه اش وابستگی بیش از پیش ایران به مسکو و پکن خواهد بود و نقش آنها را در منطقه تقویت می کند. ایجاد یک توازن قوا در خاور میانه یک آزمون منطقه ای برای قدرت آمریکا است که نشان می دهد آمریکا چگونه می تواند در جهان چندقطبی ظهور، خود را نشان بدهد و اعمال قدرت کند.

#### دیپلمات ها



### حتی به حمله به تاسیسات هسته ای ایران فکر نکنید

معاون وزیر امور خارجه روسیه گفت: «روسیه به اسرائیل هشدار داده که حتی به فکر حمله به تاسیسات هسته ای ایران نباشد.» به گزارش ایسنا، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه گفت: «ما بارها هشدار داده ایم و همچنان هشدار می دهیم که اسرائیل حتی به صورت فرضی احتمال حمله به تاسیسات هسته ای و زیرساخت های هسته ای (ایران) را در نظر نگیرد.» این یک تحول فاجعه بار و نسی کامل تمام اصول موجود در زمینه تضمین ایمنی هسته ای خواهد بود. بر اساس گزارش تان، مشخص نیست مسکو به چه شکلی چنین پیامی را به تل آویو رسانده است. رسانه دولتی روسیه به نقل از ریابکوف گفته است که «مسکو بدون توجه به سطح تنش در منطقه، دائماً با ایران در تماس است.» معاون وزیر امور خارجه روسیه ضمن اشاره به پایداری روابط تهران - مسکو، اعلام کرد که «تنش های جاری در منطقه» روی روابط دو کشور تأثیری ندارد. معاون وزیر امور خارجه روسیه در پاسخ به سوالی پیرامون نحوه ارتباط روسیه با ایران با توجه به شرایط منطقه و «احتمال حمله اسرائیل به ایران» تصریح کرد: «ما باید ارتباط خود را با ایران حفظ کنیم. این روابط به شرایط منطقه یا تنش ها بستگی ندارد.»



### ایران حق دارد از خود دفاع کند

وزیر امور خارجه ترکیه گفت: «ایران حق دارد در صورت درگیری احتمالی با اسرائیل از خود دفاع کند.» هاکان فیضان در گفت و گو با روزنامه ترکیه ای «دنیای تاکید کرد: البته این حق آنهاست. وی با بیان اینکه «ترکیه در ۲۰ سال گذشته فعالانه برای ترویج صلح و جلوگیری از درگیری ها تلاش کرده است»، اظهار نظر کرد، باید چنین درگیری ای را به عنوان یک سناریوی بسیار محتمل تلقی کرد.

#### ادامه سر مقاله

این اتحادیه به جای حل مسئله اوکراین دوباره دارد مشکلات خود را به جاهای دیگر سرزری می کند. دقیقاً همان کاری که پس از جنگ فلسطینی اول به ویژه پس از جنگ جهانی دوم در مورد فلسطین انجام دادند و با انتقال یهودیان به آنجانیطه بحرانی را کاشتند که معلوم نیست کی به پایان خواهد رسید. تجربه فلسطین و اکنون اوکراین به آن اندازه آموزنده است که از این نوع دخالت ها و تحریک های منطقه ای به ویژه در خارج از اروپا پرهیز کنند. این نکته را هم باید به کشورهای منطقه تذکر داد که تجربه اوکراین می تواند برای آنان هم آموزنده باشد. اروپا می تواند مواضع خود را به شما بفروشد ولی هنگام ضرورت جا خالی خواهد داد. چرا؟ به همین دلایلی که امروز مواضع خود را به حراج گذاشته است. بنابراین، این اشتباه را نکنید که مسائل منطقه ای خود را نزد بیگانگان ببرید. ایرانیان از هر دسته و جناحی که باشند، امروز دو نکته و اصل سیاست خارجی بیش از گذشته مورد توجه شان قرار گرفته است. اول اینکه کشورهای دیگر حتی اگر بلوک به ظاهر بزرگی مثل اتحادیه اروپا هم باشند در صورت نیاز، مواضع خود را فروخته و به حراج می گذارند. دوم اینکه، هیچ کشوری قرار نیست می خرد ما را بخواهد؛ چه هند و روسیه و چین باشد و چه اروپا و آمریکا، و در این میان از همه بدتر اسرائیل است. بنابراین، ما می توانیم و می باید متحد باشیم و تمام هموطنانی را که برای ایران دلسوز هستند، محترم بشماریم و از یک سیاست خارجی معقول و تعاملی دفاع کنیم و در عین حال، مخالف هر نوع اشغالگری از هر نوع آن باشیم و تمامیت ارضی ایران را پاس بداریم و هیچ امیدی به متغیر خارجی مستقل از حضور مردم برای بهبود امور داخلی هم نمی توان و نمی باید داشت. همچنین به عنوان آخرین و مهمترین نکته باید از صاحبان قدرت خواست که اجازه ندهند مردم از تغییرات درون زا ناامید شوند و نگاه رو به بیرون پیدا کنند. منجی ایران فقط مردم و اراده آزاد این مردم است.

